

## ارزیابی موانع هم‌گرایی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

رضا همدانچی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۶

### چکیده

پس از پایان حضور نظامیان در عرصه سیاست‌ورزی ترکیه، حزب عدالت و توسعه ترکیه این فرصت را به دست آورده با جلب اعتماد عمومی نزدیک به دو دهه ارکان قدرت در ترکیه را در اختیار گیرد. تاریخ روابط ایران و ترکیه به‌عنوان دو همسایه مؤثر در خاورمیانه نشان می‌دهد که روابط دو کشور همواره دارای فرازوفرودهایی بوده و هست. لذا این پرسش مطرح است که، موانع اصلی هم‌گرایی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد به سؤال مذکور این‌طور پاسخ دهد که روابط ترکیه با اسرائیل، تفاوت نگرش ایران و ترکیه به بحران سوریه و رقابت منطقه‌ای دو کشور در خاورمیانه برای رهبری از موانع هم‌گرایی دو کشور است. برای تبیین این پژوهش چارچوب نظری عمل‌گرایی با تبعیت از نواقع‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه مدنظر گرفته شده است. عمل‌گرایی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبردهای ترکیه و دستیابی به هدف‌های مدنظر داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** ترکیه، موانع هم‌گرایی، حزب عدالت و توسعه، ایران، بحران سوریه، اسرائیل

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای با سابقه‌ای دیرینه و کهن همواره در روابط دوجانبه خود با فرازوفرودهای بسیاری مواجه بوده و هستند که می‌توان این موضوع را در رویکردهای متفاوت دو کشور جست‌وجو کرد که به‌تبع این موضوع بر رویکردهای سیاست خارجی دو کشور نیز تأثیر می‌گذارد.

الگوی روابط ایران و ترکیه را می‌توان در همکاری اقتصادی و رقابت سیاسی خلاصه کرد. دو طرف در حوزه روابط دوجانبه در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی منافع مشترک زیادی دارند. این مسئله به‌طور طبیعی این دو را تبدیل به رقبای منطقه‌ای کرده است. اما صرف قوی‌تر بودن، تنها باعث رقابت‌های ژئوپلیتیک نمی‌شود. این مسئله با رقابت ایدئولوژیک برای تبدیل شدن به رهبر منطقه که با واژه‌هایی همچون «رهبر جهان اسلام»، «نگهبان منطقه»، «ام القری» و مانند آن همراه شده است. به‌عبارت‌دیگر رقابت ژئوپلیتیک برای قدرت اول بودن همراه شده است با رقابت ایدئولوژیک برای رهبر شدن، پس از انقلاب اسلامی، با اضافه شدن ویژگی‌های انقلابی و اسلامی به ایران، تلاش برای تأثیرگذاری و ارائه الگو برای کشورهای خاورمیانه بیشتر شد و در سمت ترکیه نیز، رهبران حزب عدالت و توسعه به بازتعریف اهداف و منافع و نقش این کشور در منطقه پرداختند به‌نحوی که بر وزنه اسلامی بودن ترکیه اضافه شد. نتیجه آن شد که دو کشور ایران و ترکیه هر دو خواهان تأثیرگذاری بر سیر تحولات منطقه و نیز قابلیت سرمشق و الگو شدن را برای آینده کشورهای منطقه را مدعی باشند (Ozdamar and others, ۲۰۱۴).

لذا این پرسش مطرح است که، موانع اصلی هم‌گرایی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد با این فرضیه به سؤال مذکور پاسخ دهد که تفاوت رویکرد و اولویت‌های ایران و ترکیه در سیاست خارجی، تفاوت در قرائت از اسلام‌گرایی، روابط ترکیه با اسرائیل و آمریکا را موانع هم‌گرایی دو کشور می‌داند. برای تبیین روشمند این پژوهش چارچوب نظری عمل‌گرایی در سیاست خارجی در نظر گرفته شده است. به‌بیان‌دیگر عمل‌گرایی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبردهای ترکیه و دستیابی به هدف‌های مدنظر داشته است.

## چارچوب نظری

سیاست خارجی، اصولاً در مورد فعالیت‌های یک کشور در محیط و شرایط خارجی است. سیاست خارجی می‌تواند یک استراتژی و یا برنامه‌ای از فعالیت‌ها تعریف گردد که توسط تصمیم‌گیران یک کشور برابر کشورهای دیگر و یا نهادهای بین‌المللی انجام شده تا به اهدافی که بنام منافع ملی آن کشور خوانده می‌شود. برسند. سیاست خارجی همچنین پروسه‌ای شامل اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف فوق‌الذکر، توانایی کشور در رسیدن به نتایج مطلوب، توسعه یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل آن است.

نظریه واقع‌گرایی که به‌عنوان یک پارادایم قوی در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد و بعد از جنگ جهانی دوم به نظریه غالب در روابط بین‌الملل تبدیل شد، با ظهور بازیگران جدید در نظام بین‌الملل همچون سازمان‌ها، شرکت‌های چندملیتی و نهادهای مختلف دیگر نمی‌شد تنها با نظریه واقع‌گرایی که دولت را تنها بازیگر عرصه جهانی می‌دانست، پدیده‌ها را تبیین کرد، به همین دلیل انتقاداتی از سوی نظریه‌های رفتارگرایی و وابستگی متوجه واقع‌گرایی شد. اساسی‌ترین پاسخی که به منتقدان

واقع‌گرایی داده شد از سوی کنت والتز در کتاب خود به نام «نظریه سیاست بین‌الملل» که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد در چارچوب نظریه نواقع‌گرایی بوده است. نظریه نواقع‌گرایی با پذیرفتن قسمتی از نظریات رفتارگرایی و ساختارگرایی سعی در اصلاح نظریه واقع‌گرایی داشته است. نظریه نواقع‌گرایی بدنه اصلی نظریه واقع‌گرایی را حفظ کرده و در کنار آن با وام گرفتن اصطلاحاتی از رفتارگرایی یعنی روش و سیستم یک نظریه نیمه علمی را بیان کرد تا بتواند به حیات واقع‌گرایی ادامه دهد. از سوی دیگر نواقع‌گرایی تأثیراتی نیز از ساختارگرایی پذیرفته است و آن توجه کردن به ابعاد زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی است. اصول اساسی نواقع‌گرایی کنت والتز عبارتند از: ۱. ساختار؛ ۲. دولت‌محوری؛ ۳. رفتارهای عقلایی دولت‌ها؛ ۴. قدرت؛ ۵. آنارشی.

کشور ترکیه نیز بعد از فروپاشی بلوک شرق و تجدیدنظر در سیاست خارجی خود، یک سیاست فعال و واقع‌گرا را در پیش گرفت و در پی آن بود تا بر اساس شاخصه‌های نئورئالیسم همچون خودیاری، دولت‌محوری، عقلایی عمل کردن و اعتقاد به نظم آنارشیک در نظام بین‌الملل خود را به رتبه اول قدرت منطقه برساند. اما این هدف ترکیه مستلزم داشتن شرایط بسیاری است که ترکیه در بسیاری از آن‌ها در سطح بالایی قرار ندارد. کشوری که بخواهد در یک منطقه به قدرت مسلم تبدیل شود، علاوه بر قدرت نظامی باید از جنبه‌های دیگر از جمله فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژی، جغرافیایی، جمعیتی و علمی نیز در سطح بالایی قرار داشته باشد و اما ترکیه به دلیل تعارض‌های ایدئولوژیک و فرهنگی که با منطقه دارد و باوجود نوعی از اسلام‌گریزی در دولت خود حداقل در کوتاه‌مدت نمی‌تواند به‌عنوان قدرتمند مسلط در منطقه تبدیل شود (کوهکن، گرجی، ۱۳۹۵).

دولت اردوغان به‌خصوص در دوره نخست حکومت خویش، دوری از افراط و تنش را در رأس برنامه‌های خود تعریف کرد (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۷۶)؛ دوری از تنش علاوه بر سیاست داخلی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نیز دنبال شده است؛ البته نوع جهت‌گیری آنکارا در این زمینه حرکت به‌سوی هژمون آمریکا بوده است. نوع روابطی که ترکیه با آمریکا و رژیم اسرائیل برقرار کرده، گویای این واقعیت است که حزب عدالت و توسعه به دنبال دوری از تنش در فضای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است.

اصول اساسی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در منطقه خاورمیانه را می‌توان به شرح زیر دانست:

- پیگیری نقش محوری در منطقه
- چندجانبه‌گرایی و توجه به کشورهای مسلمان
- تعریف نقش میانجیگری در مسائل منطقه‌ای
- حرکت به سمت تعادل بخشی در نوع نگاه به سیاست‌های غرب آسیا و اروپا؛
- ارائه الگویی برای کشورهای مسلمان و رقابت با الگوی جمهوری اسلامی ایران
- تلاش برای کاهش مشکلات با همسایگان (Bengio, ۲۰۰۹: ۱)

گرچه این دکترین از سوی داوود اوغلو نخس توزیر سابق ترکیه تئوریزه شده بود و در کتاب «عمق استراتژیک» بیان شد؛ اما در سیاست خارجی ترکیه کاربست چندانی پیدا نکرد. داوود اوغلو معتقد بود که عمق استراتژیک ترکیه از عمق تاریخی و جغرافیایی منتج شده است. دکترین عمق استراتژیک نخس توزیر سابق ترکیه به دنبال برقراری مناسبات ترکیه با تمام دستگاه‌های منطقه‌ای بود (Murinson, ۲۰۰۶: ۹۴۸).

داوود اوغلو نظریه «ایجاد نظم و ثبات» را به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌کرد و ارکان آن را شامل مؤلفه‌های زیر می‌دانست:

- امنیت برای همگان
- گفت‌وگوهای سیاسی برای مقابله با بحران
- همکاری‌های گسترده اقتصادی
- پلورالیسم

با این حال کنار گذاشته شدن احمد داوود اوغلو از نخست‌وزیری ترکیه به دنبال اختلافاتی که با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور این کشور بر سر سیستم حکومتی داشتند، این اصل از اصول مذکور در حزب عدالت و توسعه را به حاشیه برد. به همان اندازه که در زمان وزارت خارجه و نخست‌وزیری داوود اوغلو بر سیاست مشکلات صفر با همسایگان تأکید می‌شد، بعد از کنار گذاشته شدن وی از عرصه نخست‌وزیری به همان شدت اختلافات ترکیه با همسایگان از جمله سوریه شدت یافت؛ به طوری که سیاست آنکارا در قبال سوریه سیاست خارجی ترکیه را به‌طور کلی تحت تأثیر خود قرار داد (عبدالمطلب و همکاران، ۱۳۹۷).

جمهوری ترکیه در چارچوب اصول سیاست خارجی خود، دو جهت‌گیری عمده داشته است. جهت‌گیری اصلی حرکت به سمت غرب بوده که نشئت گرفته از تفکر کمالیسم بوده است. «بیشتر نخبگان ترکیه از ابتدای شکل‌گیری رژیم جمهوری به این اصل اعتقاد داشتند و معتقد بودند که یک ترکیه مدرن و مستقل تنها از طریق غربی شدن و اروپایی شدن قابل تحقق است» (Philip, ۱۹۹۱).

روابط گسترده ترکیه با ناتو، آمریکا و تمایل این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا در قالب این رویکرد قابل تفسیر است. جهت‌گیری دوم ترکیه در سیاست خارجی که نسبتاً جدید است، حرکت به سوی مناطق پیرامونی و مسائل آن‌ها بوده است. اشغال کویت توسط عراق در اوت ۱۹۹۰ عاملی برای تغییر در سیاست خارجی ترکیه نسبت به مناطق پیرامونی‌اش گردید و برای نخستین بار ترکیه در معادلات منطقه‌ای پیرامونش دخالت جدی نمود. البته ذکر این نکته ضروری است که این ایفای نقش مخصوصاً در دهه ۱۹۹۰ در قالب همکاری با ایالات متحده بود و از این نظر در نوع نگاه این کشور به خاورمیانه و غرب تغییری محسوس و ملموس به وجود نیاورد. در سال‌های اولیه هزاره سوم، تغییراتی در چرخش موازنه‌ای بین این دو جهت‌گیری عمده سیاست خارجی ترکیه به نفع جهت‌گیری پیرامون‌نگری به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که ترکیه اکنون تا حدی خود را درگیر منازعات منطقه‌ای (در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و اتحادیه اروپا) نموده است (چگینی‌زاده، خوش‌اندام، ۱۳۸۹).

ترکیه از جمله کشورهایی است با توجه به سیاست‌هایش که در راستای دسترس‌ی به بیشترین منافع و کسب حداکثر قدرت در منطقه است، نشان داده که قابلیت قرار گرفته در چارچوب نظریه نواقح‌گرایی را دارد. هدف این پژوهش نشان دادن عمل‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه است که تلاش می‌کند در منطقه خاورمیانه و عرصه بین‌الملل به دنبال کسب منافع حداکثری باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود که عمل‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه و رفتار این کشور در

عرصه بین‌المللی و منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد و بر همین اساس به پرسش این پژوهش در ارتباط با بررسی موانع هم‌گرایی بین ایران و ترکیه پاسخ داده شود.

## ۱- روابط ایران و ترکیه

روابط ایران و ترکیه در طول یک دهه اخیر و پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه همواره مناسب و رو به رشد توصیف شده است. همکاری در عرصه‌های اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم‌ترین عوامل همسویی منافع ایران و ترکیه در طول یک دهه اخیر محسوب می‌گردند. با این‌همه دو کشور در قبال تحولات خاورمیانه مواضع متفاوتی داشته‌اند. مواضع و رویکرد ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه از بی‌تفاوتی و سکوت تا اتخاذ موضع صریح و قاطع در حمایت یا مخالفت در نوسان بوده است. اما مواضع ایران به‌عنوان ترکیبی از مواضع ارزشی و استراتژیک روندی ثابت و یکسان را در پیش گرفته است. با توجه به سیاست خارجی نوین ترکیه که بیشتر بر خاورمیانه و مناطق قفقاز و آسیای مرکزی تمرکز دارد که باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه شکل گرفت، ما شاهد نوعی برخورد منافع ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه به‌خصوص در بحران سوریه هستیم. علاوه بر افتراقات در سیاست خارجی ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه، ما شاهد اشتراکاتی نیز در رویکردهای سیاسی ایران و ترکیه نسبت به این تحولات هستیم (Catinsaya, 2014:90).

روابط دو کشور متأثر از عواملی است که هر زمان پرننگ شده، موجب گسست هر چه بیشتر روابط سیاسی دو جانبه شده است. اصولاً انقلاب اسلامی با ویژگی دین‌محوری تفاوت‌های عمیقی با نظام سیاسی ترکیه دارد. قانون اساسی ترکیه منشأ عرفی که بر اساس اصول لائیک و جدایی دین از عرصه عمومی تکیه می‌کند، درحالی‌که قانون اساسی ایران منشأ الهی دارد که در آن دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت مفروض گرفته شده است. سیاست خارجی ترکیه متکی بر منافع ملی است که تحولات اخیر در جهان عرب و به‌ویژه تحولات سوریه آن را نمایان‌تر کرده است؛ درحالی‌که در سیاست خارجی ایران منافع ملی گره‌خورده با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی است. در این نقطه هیچ‌وجه اشتراکی میان ترکیه و ایران به وجود نمی‌آید و در این‌بین در کنار کمالیست‌ها، حتی نخبگان اسلام‌گرای ترکیه نیز دیدگاه نزدیکی به مواضع ارزشی جمهوری اسلامی ایران ندارند. همچنین وجود و نقش احزاب از تفاوت‌های دیگر میان نظام‌های سیاسی دو کشور است. احزاب در ترکیه نقش مهمی را در ساختار سیاسی کشورشان ایفا می‌کنند درحالی‌که در ایران احزاب از نقش چندانی برای به چالش کشیدن و انتقاد از وضعیت حاکم و تقویت آن برای حرکت روبه‌جلو برخوردار نیستند. با این‌وجود نقش عواملی که به همسویی روابط ایران و ترکیه کمک می‌کند دارای وزن بیشتری نسبت به عواملی هستند که در گسست روابط مؤثرند.

در طول تاریخ روابط دو کشور در مسائل اقتصادی و فرهنگی در سطح مطلوبی قرار داشته است، اما در مسائل سیاسی-دیپلماتیک در برخی زمان‌ها با نوساناتی روبه‌رو بوده است. پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تحول در روابط ایران و ترکیه بسیار بوده است و این حزب با توجه به واقعیات پیشین ذکر شده، به گسترش رابطه با ایران می‌اندیشد و هم‌زمان به خنثی‌سازی مخالفت‌های کمالیست‌ها در ایجاد رابطه مستحکم و گسترده با ایران نیز می‌پردازد. در سیری معنادار روابط ایران و ترکیه در بسیاری از زمینه‌ها از جمله سطح سیاسی گسترش پیدا کرده است. این در حالی است که حافظه تاریخی روابط دو جانبه حاکی از این است که روابط سیاسی مؤثر بر روابط در سایر سطوح بوده است ولی با این‌وجود سطحی از روابط دو سویه اقتصادی و فرهنگی همواره میان طرفین وجود داشته است. به راین اساس،

نگاه ویژه به مناسبات فرهنگی و اقتصادی فارغ از روابط سیاسی امکان تحقق داشته است؛ ولی بی‌تردید پاسخگوی تمام ظرفیت‌ها نبوده است. پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه چنین روندی رو به تغییر گذاشت و روابط سیاسی -دیپلماتیک متناسب با ظرفیت‌های دو کشور هم‌جوار شکل گرفت. چنین افزایش مناسباتی بلافاصله در بالا رفتن چند برابری مناسبات اقتصادی نمود پیدا کرد. حتی تعمیم این گسترش روابط به سطح فرهنگی نشان ارتباط میان سطوح مختلف روابط میان واحدهای سیاسی با در نظر گرفتن ویژگی‌های هم‌جواری، تاریخی، دینی، فرهنگی و غیره است. اما نکته قابل تأمل در روابط ایران و ترکیه این است که روابط امنیتی-نظامی دو‌جانبه متناسب با روابط در سایر سطوح رشد ننموده است (بطحایی اصل، صراف یزدی، صبری، ۱۳۹۱).

البته باید توجه داشت، انگاره‌های حزب عدالت و توسعه به دنبال ارائه رویکردی متمایز در قبال جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران به اتحاد با ایران منجر نمی‌شود. حزب عدالت و توسعه بر اساس رویکرد هویتی خویش در پی ارائه الگوی مطلوب خود در سطح منطقه است؛ لذا این موضوع به رقابت با جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد؛ همچنین این حزب، یک ایدئولوژی التقاطی دارد که از یک طرف به دنبال خوانشی از اسلام‌گرایی است و از طرف دیگر، جهت‌گیری‌های لیبرالی دارد؛ نتایج دیگر انگاره‌های هویتی این حزب از جمله پیوند سرمایه‌داری و اسلام، تلاش برای برقراری روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تفاوت با مدل جمهوری اسلامی و عدم پایبندی کامل به دیدگاه‌های اسلاف خود نشان می‌دهند که برقراری اتحاد حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکم ترکیه با جمهوری اسلامی ایران، بعید به نظر می‌رسد (عبدالمطلب، ولی زاده میدانی، پیروز فر، ۱۳۹۷).

## ۲- موانع هم‌گرایی روابط ایران و ترکیه

### ۲-۱ روابط ترکیه و اسرائیل

روابط ترکیه و اسرائیل به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه از اهمیت بسزایی به‌ویژه از دید جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده است. اتحاد تلاویو و آنکارا در سال ۱۹۹۶ موجب تهدیدات جدی برای ایران شد اما به نظر می‌رسد در دهه اخیر به‌ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نوعی تنش و سردی بر روابط دو طرف حاکم شده که باید پیامدهای مثبت برای ایران داشته باشد. از این‌رو بررسی تحولات داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و تأثیر آن بر روابط ترکیه و اسرائیل و به‌تبع آن تأثیرات بر جمهوری اسلامی حائز اهمیت است (حاجی یوسفی، ایمانی، ۱۳۹۰).

ایران و ترکیه دیدگاه‌های خاصی نسبت به مسائل و تحولات منطقه دارند که همسو با جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی هر از دو کشور است. تا دو دهه گذشته تصویر ترکیه بین کشورهای عربی خاورمیانه تصویری منفی بوده، اما از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و استراتژی جدید، دولت ترکیه سعی کرده مشکلات خود را با همسایگان به صفر برساند و بین اعراب و اسرائیل میانجیگری کند و ارتباط خود را با کشورهای اسلامی حفظ کند. با شروع امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه و سرنگونی دیکتاتورهای یکی پس از دیگری، با دنبال کردن این ایده که کشورهای منطقه به‌سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این مسئله در درازمدت امری است اجتناب‌ناپذیر، اقدام به حمایت و دفاع از مطالبات مردم کشورهای عربی کرده و معتقد است مطالبات مردم اصول و ارزش‌هایی است که ترکیه به آن‌ها تأکید دارد مثل آزادی‌ای مدنی، حقوق بشر، دموکراسی، ... فرایند مداخله ترکیه در این جنبش‌ها عمدتاً با توصیه و نصیحت به حاکمان

این کشورهای آغاز شد و پس از اوج‌گیری انقلاب‌ها به حمایت کامل از حرکت‌های مردمی و در مواردی مثل لیبی به مداخله نظامی در قالب ناتو منجر شد. دولت‌های غربی و بالأخص آمریکا ترجیح می‌دهند الگوی ترکیه را که بیشتر در فضای تمدنی غرب سیر می‌کند بر الگوی استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران جایگزین کنند. الگویی که بر مبنای تعامل‌گرایی با غرب و مدارا با رژیم صهیونیستی و حاوی پیام برای دنیای اسلام نیست و غرب علاقه‌مند است این کشور نماینده کشورهای اسلامی در عصر جدید و در تعامل با نظام بین‌الملل باشد و ضمن مدارا با رژیم اسرائیل روابط خود با جهان اسلام و کشورهای عربی را نیز تنظیم کند (مسعودی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

ترک‌ها با توجه به گذشته‌ی تاریخی‌ای که با اعراب داشته‌اند و مشکلاتی که در جریان جنگ جهانی اول توسط اعراب برای ترک‌ها به وجود آمد، سال‌ها هیچ علاقه‌ای به ایجاد رابطه با اعراب نشان نمی‌دادند و حتی در مواردی چون به ابر اسمیت شناختن رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۹ و نیز موضوع گیری علیه الجزایر در جریان درگیری‌های فرانسه و الجزایر، ترکیه همواره خود را در مقابل جبهه‌ی اعراب قرار داده است. این وضعیت تا دهه‌ی ۱۹۸۰ ادامه داشت. اما از این زمان به بعد سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در اثر شکل‌گیری پ.ک.ک دچار تغییراتی گشت و روابط با سوریه و ایران (در برخی مقاطع) نیز تحت تأثیر این مسئله تیره گشت.

لیکن این وضعیت در چند سال گذشته کاملاً دگرگون شده و ترکیه روابط خود را با کشورهای خاورمیانه از جمله ایران گسترش داده و حضوری فعال در مسائل منطقه داشته است. ترکیه در مورد مسئله امنیتی از قبیل فلسطین دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد؛ در شرایطی که ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده به‌عنوان یک میانجی به روند صلح خاورمیانه و مسائل جاری در خاورمیانه کمک کند و میان اسرائیل با سوریه، لبنان و گروه‌های فلسطینی توافق ایجاد نماید، در خصوص جنایات اسرائیل و غزه و جنگ سی‌وسه روزه‌ی اسرائیل با لبنان، ترکیه در سیاست خارجی خود و در روابطش با اسرائیل تغییراتی اساسی داده است که این مسئله اخیراً باعث شد تا روابط دو کشور به مرحله‌ی عدم رعایت نزاکت سیاسی در سطح سفارت بین سفرای دو کشور - ابتدا از جانب اسرائیل - به موضع‌گیری و بحران تبدیل گردد. این توصیف حاکی از آن است که ترکیه با تغییر موضع در مقابل اسرائیل، جهت خود را با تغییر معیارهای قدرت در منطقه که در حال شکل‌گیری هستند، هماهنگ می‌کند و این حکایت از آن دارد که ترکیه با قدرت و اعتماد به نفس بیشتری وارد معادلات سیاسی شده است و با دولت منتسب به اسلام خود، جایگاه بهتری را در بین کشورهای اسلامی مسلمان منطقه جستجو می‌کند. ترکیه همچنین در ماه‌های اخیر با نزدیکی به اردوگاه کشورهای کوچک و عربی منطقه از قبیل سوریه، اردن، کویت و عربستان وزن بیشتری برای خود در میانجی‌گری برای حل مسائل منطقه رقم‌زده است. شرایط داخلی در ترکیه و اصلاحاتی که این کشور در سیاست خارجی خود انجام داده و از آن به‌عنوان انقلاب آرام یاد شده، موقعیت خاصی را برای ترکیه رقم‌زده است تا تجربیات خود را در اختیار کشورهای منطقه قرار دهد. بنابراین با توجه به عملکرد و سیاست‌های گذشته دولت آنکارا، طبیعی است که ترکیه به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا در تلاش برای ایفای نقشی فعال در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ باشد. به‌زعم دولت آنکارا ویژگی نظام حکومتی لائیک ترکیه، ژئوپلیتیک این کشور و روابط راهبردی آن با آمریکا و اسرائیل از جمله برگ خریدهایی هستند که آمریکا را ترغیب به متقاعد کردن ترکیه برای تلاش در جهت تسهیل در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ می‌کند (کاکائی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۶).

در حالی که روابط ترکیه و اسرائیل در دهه‌ی ۱۹۹۰ به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافته بود، پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه در ترکیه، روابط این دو کشور تا حدودی دچار اختلال و افت شد و در مقابل روابط ترکیه با فلسطینیان (و حتی حماس که مورد تحریم دولت‌های غربی واقع شده بود) گسترش یافت. ترکیه به دولت حماس کمک کرد و علیرغم مخالفت شدید اسرائیل وزیر خارجه ترکیه با هیئتی از اعضای حماس در ترکیه به مذاکره پرداخت. روابط اسرائیل با کرده‌ای عراق و حمایت این کشور از فدرالیسم و استقلال‌گراها، مقامات ترکیه را خشمگین ساخت. نگرانی‌های منطقه‌ای اسرائیل در قبال کشورهای منطقه باعث شده است که این کشور در جستجوی متحدی جدید در منطقه باشد و بهترین گزینه در این خصوص، ایجاد یک دولت مستقل‌گردد در شمال عراق است. در همین راستا اسرائیل با حضور در شمال عراق پس از سقوط صدام، نگرانی‌های ایران و ترکیه را موجب شده است. بنابراین همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه در خاورمیانه، به‌منظور مقابله با منازعات قومی و اقدامات قدرت‌های فرا منطقه‌ای، دستاوردهای مشترکی را برای دو کشور به همراه دارد. اسرائیل با توجه به اتحادیه‌هایی که با ترکیه از قبل داشت، امتیاز حضور در لبه‌ی مرزهای جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد و زمینه‌ی کسب اطلاعات امنیتی برای این کشور قرار گرفت. (امیر احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۳).

در نتیجه هزینه‌های دفاعی ایران در مقابله با تهدیدات احتمالی در شمال غرب افزایش یافت. پس از موضع‌گیری ترکیه در جریان اجلاس داووس و ترک این نشست از سوی اردوغان به سبب اعتراض به سخنان اسرائیل در بحبوحه‌ی جنگ غزه و به دنبال آن لغو مانور مشترک نظامی ترکیه با اسرائیل، سبب شده است تا مناسبات آنکارا با کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران وضعیت جدیدی به خود بگیرد و این موضوع را می‌توان به‌خوبی در مراودات اخیر، از جمله سفرهای متعدد مقامات دو کشور ایران و ترکیه دید (همان).

روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر نسبت به دهه ۱۹۹۰ به واگرایی انجامیده و با تنش‌های جدی دیپلماتیک مواجه شده است اما هیچ‌یک از این دو طرف علاقه‌ای به قطع روابط ندارند. این واگرایی در نهایت به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شده است. رهبران حزب عدالت و توسعه برخلاف تصور بسیاری، امروزه در قالب دکترین عمق استراتژیک، سیاست مشکلات صفر با همسایگان و ایفای نقش میانجی در منطقه و بین منطقه و غرب، به بهترین نحو منافع ملی ترکیه را پیگیری می‌کنند. بسیاری از مواقع اقدامات، واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های آن‌ها در منطقه تاکتیکی است و نه استراتژیک. دلیل اصلی روابط ترکیه با اسرائیل، روابط ترکیه با مجموعه غرب بوده و اسرائیل واحد زیادی یک کارت بازی در این زمینه است. در نهایت باید گفت ترکیه امروزی سعی در ایجاد توازن در روابط خود با غرب از یک‌سو و شرق و خاورمیانه از سوی دیگر دارد. اما اگر مجبور به انتخاب از بین دو گزینه شود، بی‌شک غرب را به دلیل مزیت‌های بالای آن برای کشور، انتخاب خواهد کرد (حاجی یوسفی، ایمانی، ۱۳۹۰).

با توجه به نکات فوق و تفاوت‌های موجود در رویکردهای سیاست خارجی ایران و ترکیه که یکی بر محور ارزش‌ها و ایدئولوژی و دیگری که در مسیر عمل‌گرایی و تحقق منافع ملی خود حرکت می‌کند و با عنایت به فرازوفرودهای پیش‌آمده در روابط آنکارا و تلاویو، جمهوری اسلامی ایران قادر است که با عبور از این مانع هم‌گرایی را در زمینه‌های مختلفی به‌ویژه در حوزه اقتصادی و تجارت فراهم کند تا زمینه کمرنگ شدن این واگرایی شکل گیرد. به‌بیان‌دیگر ایران حضور اسلام‌گرایان در عرصه قدرت ترکیه را به‌عنوان یک فرصت مهم برای تحکیم روابط دوجانبه ببیند نه مانعی برای تشدید اختلافات و رقابت در منطقه خاورمیانه.



## ۲-۲ روابط ترکیه با سوریه

ترکیه بزرگ‌ترین همسایه سوریه است و مرز طولانی با سوریه دارد. سوریه و ترکیه در دهه اخیر سعی داشته‌اند، مشکلات خود را در ابعاد مختلف حل و توانستند در این اواخر روابط خود را به سطح شراکت راهبردی ارتقا دهند. ترک‌ها همواره از دروازه سوریه جهت حضور در خاورمیانه سود بردند ولی عوامل درونی و خارجی مانع از افزایش توجه و اهتمام آنکارا به محیط سنتی و اسلامی بوده است. ترکیه از دروازه سوریه توانست نقش خود را در محیط خاورمیانه افزایش دهد و در پرونده فلسطین و لبنان جایگاه پیدا کند. اما از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه در مارس ۲۰۱۱ تاکنون دولت ترکیه واکنش‌های متفاوتی نسبت به آن نشان داده است. رویکرد ترکیه در آغاز مبتنی بر همکاری با دولت سوریه و کمک به حل بحران در این کشور بود. در این راستا ترکیه از اصلاحات در سوریه حمایت کرد و بر آن بود تا با کمک به دولت اسد در مدیریت بحران، به بازگشت ثبات و آرامش در این کشور کمک کند. این سیاست بیش از شش ماه به طول نینجامید. در سپتامبر ۲۰۱۱ سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه گردشی اساسی یافت و دولت ترکیه با پذیرش مخالفین دولت سوریه در ترکیه در کنار اپوزیسیون سوریه قرار گرفت. از این‌پس سیاست ترکیه در راستای همراهی با سیاست‌ها و مواضع کشورهای غربی قرار گرفت و هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در قبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست، سیاستی که از حمایت اتحادیه اروپا، ایالات متحده و اتحادیه عرب نیز برخوردار است. بنابراین و با ملاحظه سیاست‌های آنکارا در قبال سوریه، دولت ترکیه در تلاش است تا به شیوه‌های گوناگون بر بحران سوریه تأثیرگذار باشد. ترکیه تلاش دارد تا به چهارراه گفتگوها و رایزنی‌های منطقه‌ای برای بحران سوریه تبدیل شود. بر این اساس ترکیه میزبان گروه‌های مخالف اسد و همچنین نشست کشورهای موسوم به دوستان سوریه در خاک خود بود. ایستگاه سوریه، آغاز اختلافات جدی میان ایران و ترکیه بود؛ اختلافاتی که منجر به تیره شدن روابط دو کشور شد. ایران آشکارا اعلام کرد که با وجود حمایت از مطالبات مشروع سیاسی و اقتصادی مردم سوریه از نظام این کشور حمایت می‌کند و ترکیه ابتدا با فشار بر بشار اسد و سپس دعوت او به استعفا در کنار عربستان سعودی و قطر ایستاد. سیاست‌های آنکارا برابر دمشق تا آنجا پیش رفت که دولت ترکیه با تشکیل «شورای ملی سوریه» در استانبول و حمایت لجستیکی - اطلاعاتی از شبه‌نظامیان وابسته به این شورا موسوم به «ارتش آزاد» از دخالت نظامی بین‌المللی برای اسقاط نظام در سوریه پشتیبانی نمود (قادری، ۱۳۹۱).

در بین همسایگان ترکیه، سوریه بیشترین تقابل را با ترکیه داشته است. در این راستا، تحولات جدید این کشور موجب شده ترکیه به اتخاذ سیاستی مبنی بر حذف دشمن دیرینه خود و تلاش برای حاکم کردن رژیمی برای ایجاد الگوی دوستی نسبت به خود بپردازد. از این نظر ترکیه به تسلیح و حمایت از مخالفان رژیم سوریه مبادرت کرده است. ترکیه حتی در جریان حمله موشکی آمریکا در ۷ آوریل ۲۰۱۷ به پایگاه نظامی بشار اسد، از اقدام آمریکا حمایت کرد و آن را موجب امنیت و ثبات منطقه دانست. بحران سوریه محلی برای کشاکش قدرت، حذف ایدئولوژی‌های رقیب و ایجاد متحدان منطقه‌ای برای ترکیه است که از این نظر موجب تقویت نگاه منطقه‌ای ترکیه شده است (فتحی، رسولی ثانی آبادی، خسروی‌نژاد، ۱۳۹۷).

چالش‌های جدی سیاسی سوریه را، اگر در سطح داخلی نتیجه شکاف‌های سیاسی و اجتماعی متعددی بدانیم، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی محصول عدم وجود اجماع بیرونی و وجود یک صف‌بندی جدی منطقه‌ای و بین‌المللی است.

صف‌بندی‌ای که در قالب آن در سطح منطقه عربستان و قطر با تمام قوا و ترکیه و جنبش سراسر اخوان المسلمین تا حدود زیادی رویاروی دولت سوریه قرار گرفته و در مقابل، ایران و جنبش حزب‌الله لبنان با تمام قوا و گروه‌های مقاومت فلسطین تا حدودی در کنار سوریه قرار گرفته‌اند (بای، ۱۳۹۵).

### ۲-۳ ترکیه و تقویت نفوذ منطقه‌ای در خاورمیانه

پس از رخداد بهار عربی، آغاز بحران در سوریه، و عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق، تحولات عمده و مهمی در روابط ایران و ترکیه اتفاق افتاد و این مسائل سبب شد که همکاری‌های روبه‌گسترش دو کشور در سطح اقتصادی و تجاری هم‌زمان با تشدید رقابت تاریخی بین آن‌ها برای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود، تحت تأثیر قرار گیرد، زیرا هر دو کشور تلاش کردند با بهره‌گیری از شرایط جدید منطقه، جهت تغییرات را به نفع نظم نوین مدنظر و کسب منافع خود تغییر دهند (غائبی، ۱۳۹۵).

ترکیه در صدد رفع کلیه موانع همگرایی منطقه‌ای با کشورهای مناطق پیرامونی‌اش همانند (قبرس، یونان، ایران، سوریه، عراق، ارمنستان و...) است. در این راستا ترکیه در منطقه خاورمیانه قصد دارد به مرکز ثقل بازی قدرت و بازیگران بزرگ این منطقه همانند ایران، عربستان و مصر وارد شود. در مناطق پیرامونی ترکیه، ایجاد عثمانی جدید چارچوب کلی است که مدنظر سیاستمداران ترکیه است. در عثمانی جدید مدنظر ترک‌ها نه مرزهای جغرافیایی عثمانی، بلکه حوزه کنشگری عثمانی و تمرکز بر اولویت‌های جهان اسلام و مناطق پیرامونی ترکیه مطرح است. به همین دلیل است که ترک‌ها به دنبال حضور در پروسه صلح خاورمیانه، مشارکت در روند امنیت سازی در افغانستان و تأکید بر حل این مسئله از طریق سازوکارهای منطقه‌ای، ارتقای روابط با حماس و حزب‌الله، محدود کردن روابط خود با اسرائیل و حمایت ضمنی از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶) و محکوم کردن جنگ ۲۲ روزه غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹) هستند (چگینی زاده، خوش اندام، ۱۳۸۹).

در واقع روابط رقابت‌آمیز دو کشور بیشتر از محتوای ژئوپلیتیک برخوردار است که در چارچوب آن قدرت توانایی و موقعیت‌های اساسی می‌یابند. بسیاری معتقد هستند که تلاش متقابل برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای برتر، ریشه اصلی رقابت‌های ایران و ترکیه را در حوزه جنوبی اتحاد جماهیر شوروی سابق تشکیل می‌دهد که تکاپو در جهت رسیدن به چنین هدفی در قالب نقش‌های تجسم‌یافته و معمولاً در پوشش تعبیرهای ایدئولوژیک بیان می‌شود. اما در عمل نقشی که تاکنون ترکیه در منطقه به دنبال ایفای آن بوده در واقع ترکیبی است از مؤلفه‌ها ملاحظاتی استراتژیک. (صدیق، ۱۳۸۳: ۱۷۸)

تصمیم دولت ترکیه در اواخر سال ۲۰۱۱ برای مشارکت در طرح سامانه دفاع موشکی ناتو از طریق موافقت با استقرار سیستم رادار هشداردهنده<sup>۲</sup> در جنوب شرقی این کشور اگرچه آشکارا اقدامی علیه ایران محسوب نمی‌شد، ولی از سوی ایران، به‌عنوان یک تهدید امنیتی جدی ایران تلقی می‌شود که هدف استقرار آن را حمایت از رژیم صهیونیستی در هرگونه منازعه احتمالی منطقه‌ای به حساب می‌آورد. این مسئله در حالی که اتفاق افتاد که ترکیه هنگام تصویب سند استراتژیک ناتو<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۰ تلاش کرد نام ایران به‌عنوان یک تهدید از این سند حذف شود. برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند زمانی که

<sup>۲</sup> . Early- warning radar

<sup>۳</sup> ۲۰۱۰ Nato,s Strategic Concept

تصور تهدید از سوی یک کشور افزایش می‌یابد، هزینه‌های دفاعی همسایگان آن نیز بالا می‌رود که اثرات متقابل فزاینده‌ای بر یکدیگر دارد. بنابراین عده‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که این مسئله در روابط ایران و ترکیه نیز در پی بروز تنش‌های اخیر منطقه‌ای رخ داده است؛ به‌علاوه حضور ایران به‌عنوان عضو ناظر در پیمان امنیتی شانگهای، بر تقویت ظن تهدید افزوده و تأثیر منفی بر روابط اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه دو کشور هم از طریق افزایش هزینه‌های نظامی و هم کاهش تجارت و مالی بین دو کشور داشته است بر این اساس، عده‌ای بر این نظر هستند که افزایش هزینه‌های نظامی ایران که وابسته به فروش منابع انرژی است، از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع نفت و انرژی و توسعه و تحقیقات بر رشد اقتصادی این کشور تأثیر گذاشته است (غائبی، ۱۳۹۵).

در مجموع برداشت از نقش ملی سیاستمداران حزب عدالت و توسعه در سه دوره مشخص در خاورمیانه قابل ارزیابی است:

الف) نقش ملی مصالحه جو (۲۰۰۷-۲۰۰۲) در این دوره برداشت از نقش ملی عدالت و توسعه محافظه‌کارانه و مسالمت جویانه بود. از جهت‌گیری‌های عمده سیاست خارجی این دوره می‌توان از ارائه پیشنهاد استفاده از حریم هوایی ترکیه توسط آمریکا برای حمله به عراق به مجلس به‌جای تصمیم‌گیری قاطع دولت در مورد آن، موافقت با نظر کوفی عنان در قبال مسئله قبرس و همکاری با همه طرفه‌ای درگیر در مسئله فلسطین، نام برد. در این مرحله نخبگان عدالت و توسعه سعی در شناساندن خود در محیط بین‌المللی به‌عنوان یک کشور معتدل و میانجی داشتند و می‌کوشیدند تا دیدگاه غرب نسبت به خود را که آنان را فرزندان معنوی اربکان می‌دانست، اصلاح نمایند. زیرا حمایت خارجی برای مقابله عدالت و توسعه با نیروهای نظامی سکولار اهمیت فراوانی داشت.

ب) نقش ملی متوازن کننده (۲۰۰۷-۲۰۱۱) این دوره به‌تدریج ترکیه در تلاش برای تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای بود و در قدم اول به دنبال تغییر توازن قدرت علیه اسرائیل بود، بنابراین به حمایت از سوریه می‌پردازد. همچنین سعی در ایفای نقش موازنه گر در میان گروه‌های مختلف عراقی دارد. میانجیگری ترکیه در مورد مسئله هسته‌ای ایران و رأی منفی به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و اتخاذ رویکردهای مستقل از غرب در خاورمیانه از ویژگی‌های عمده این دوره محسوب می‌شود.

ج) نقش تمدنی: (۲۰۱۱-۲۰۱۳) این نوع برداشت از نقش ملی با تحولات کشورهای عربی در منطقه، آغاز شد. گرچه در ابتدا ترکیه در قبال تحولات عربی در منطقه نامطمئن و مردد بود. با این وجود به اتخاذ سیاست جدیدی در خاورمیانه پرداخت و با تأکید بر رویکرد تمدن ساز خود سعی در ایفای نقش رهبر منطقه‌ای داشت و تحولات منطقه را فرصتی برای تثبیت هژمونی خود در منطقه قلمداد می‌کرد. در مراحل پیشین ترکیه عمدتاً بر قدرت نرم خود در منطقه تکیه داشت اما با شروع تحولات منطقه مخصوصاً در سوریه نخبگان حزب عدالت و توسعه نقش متفاوتی را ایفا نمودند. مبنای جهت‌گیری نخبگان عدالت و توسعه در سوریه عمدتاً بر روی دو مفروض بنا شده بود: اول این که دولت دمشق به‌زودی ساقط خواهد شد و دوم این که با اعلام حمایت از مخالفان، ترکیه روابط خوبی در آینده با دولت سوریه خواهد داشت و جایگزین ایران در سیاست‌های دولت سوریه خواهد شد که نه تنها این محاسبات سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه نادرست بود بلکه باعث ایجاد خطرات جدی برای ترکیه شد. از جمله می‌توان به احتمال قدرت گرفتن جنبش‌های سلفی رادیکال در منطقه، تشدید مسئله کردها که در چهار کشور منطقه پراکنده هستند؛ تشدید رقابت‌های منطقه‌ای در میان کشورهای منطقه (ایران،

ترکیه، عربستان و مصر) افزایش خطر اسرائیل و آسودگی از اختلافات داخلی در منطقه و فراموشی مسئله فلسطین، اشاره کرد که همگی نشان از عدم برداشت صحیح نخبگان سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه دارد (پور ابراهیم، ۱۳۹۳).

## نتیجه‌گیری

تاریخ نشان داده است که کشورهای که بعد از طی دوره‌های انزوا گرایی، تغییر در سیاست خارجی خود انجام می‌دهند، در پی آن هستند که در مدت‌زمانی کوتاه بتوانند انزوا گرایی خود را جبران کنند. کشور ترکیه نیز بعد از فروپاشی بلوک شرق و تجدیدنظر در سیاست خارجی خود، یک سیاست فعال و واقع‌گرا را در پیش گرفت و در پی آن بود تا بر اساس شاخصه‌های نو رئالیسم همچون خودیاری، دولت‌محوری، عقلایی عمل کردن و اعتقاد به نظم آنارشیک در نظام بین‌الملل خود را به رتبه اول قدرت منطقه برساند. اما این هدف ترکیه مستلزم داشتن شرایط بسیاری است که ترکیه در بسیاری از آن‌ها در سطح بالایی قرار ندارد درعین حال نباید از این موضوع چشم‌پوشی کرد که ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، توانست یک سیاست دوپهلوی را در پیش بگیرد و تا اندازه‌ای میان سیاست غربی و منطقه‌ای خود توازن ایجاد کند و به میزانی از خواسته‌هایش دست پیدا کند؛ اما به نظر می‌رسد نمی‌تواند با این سیاست پیش رو به نهایت خواسته‌هایش برسد، زیرا در آینده به یک تعارض در قبال کشورهای اروپایی، خاورمیانه‌ای، آمریکا و اسرائیل خواهد رسید (کوهکن، گرجی، ۱۳۹۵).

در این پژوهش تلاش شد به سؤال اصلی «موانع اصلی هم‌گرایی در روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه چیست؟» با این فرضیه پاسخ داده شود که «روابط ترکیه با اسرائیل، تفاوت نگرش ایران و ترکیه به بحران سوریه و رقابت منطقه‌ای دو کشور در خاورمیانه برای رهبری از موانع هم‌گرایی دو کشور است به‌منظور تبیین مطلوب این پژوهش چارچوب نظری و درک نظریه نوواقع‌گرایی و نقش عمل‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه در انتخاب شد تا بتوان با شناخت چالش‌های پیشرو در روابط ایران و ترکیه ارزیابی مناسبی نسبت به فهم شرایط موجود در روابط دو کشور ایجاد شود.

یکی از مهم‌ترین موانع هم‌گرایی بین ایران و ترکیه، می‌تواند رقابت منطقه‌ای و تلاش برای افزایش نفوذ منطقه‌ای باشد. با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور، ایران و ترکیه همواره دچار فراز و فرودهایی در روابطشان با یکدیگر بوده‌اند و علی‌رغم اینکه نیاز به همکاری به‌ویژه در زمینه اقتصادی و تجاری همیشه وجود داشته است، رقابت و حتی در مواردی تعارض نیز بخشی از تاریخ روابط دو کشور را به خود اختصاص داده است که از مهم‌ترین این تعارض و مشکلات می‌توان به تفاوت در مورد ساختار نظام حاکم در دو کشور اشاره کرد.

از ابتدا تأسیس جمهوری اسلامی ایران، مسئولین نظام، مبارزه با استکبار و ایستادگی برابر سلطه‌جویی را به‌عنوان سرلوحه برنامه‌های ایران در سیاست خارجی‌اش تعریف کرده است، بر این اساس اسرائیل بزرگ‌ترین دشمن ایران در جهان و منطقه است، ترکیه مهر و موم‌هاست با اسرائیل روابط نزدیکی برقرار کرده است که این مسئله هم از منظر ایران که موجودیت اسرائیل را قبول ندارد، تهدیدی آشکار تلقی می‌گردد. دولت کنونی نیز با وجودی که سعی کرده است که روابط نزدیک‌تری با کشورهای اسلامی برقرار کند، همچنان به مناسبات خود با اسرائیل به‌ویژه در زمینه نظامی و اقتصادی ادامه داده و این مسئله کاملاً در تضاد با سیاست‌های ایران در منطقه به شمار می‌آید. قرار گرفتن ترکیه در قامت هم‌پیمان غرب موجب شده

در رویکردها و سیاست‌ها نزدیکی و قرابت بین دو طرف شکل گیرد هرچند تحولات سال‌های اخیر به‌ویژه پس از شکست کودتا علیه اردوغان سبب نزدیکی این کشور به ایران و روسیه شد.

با این حال برای گریز از تشدید موانع هم‌گرایی بین ایران و ترکیه و با توجه به بهبود روابط کشور، به نظر می‌رسد ارتقاء سطح کیفی و کمی مراودات تجاری و اقتصادی و فرهنگی می‌تواند عاملی برای تقویت رابطه ایران و ترکیه باشد. فارغ از همکاری‌های امنیتی تهران و آنکارا در منطقه به‌عنوان دو کشور مسلمان، تقویت جایگاه دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی علمی و عمومی در کنار مراودات سیاسی دوجانبه نقش مؤثری در بهبود روابط و کمرنگ شدن موانع هم‌گرایی بین دو کشور باشد.

#### الف) منابع فارسی

- امیر احمدیان، بهرام. سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در قفقاز و تکامل با ایران، تهران، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا شماره ۲۵، ۱۳۸۸.

- صدیق میر ابراهیم، روابط ایران با جمهوری قفقاز از ۱۹۹۱ تاکنون. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳.

- کاکایی، سیامک. نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد، فصلنامه خاورمیانه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۴.

- مسعودی نیا، حسین، فروغی، عاطفه، چلمقانی، مرضیه، ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت، فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، مقاله ۵، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.

- اکبری، نورالدین (۱۳۹۴)؛ «قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با ج.ا.ا. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷»، «فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی» ش. .

- حاجی یوسفی، امید محمد، ایمانی، همت، ۱۳۹۰، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۰-۷۵.

- عبدالمطلب، عبدالله، ولی زاده میدانی، رامین، پیروز فر، مهدی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

\_ قادری، علی (۱۳۹۱). (بهار عربی و هزینه‌هایی که ایران و ترکیه دادند). سایت تحلیلی خبری عصر ایران.

- فتحی، محمدجواد، رسولی ثانی آبادی، الهام، خسروی نژاد، میلاد، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سی و ششم - پاییز / ۱۳۹۷ صص ۵۴-۲۹

- بای، عبدالرضا، فصلنامه مطالعات سیاسی سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵، صفحات: ۱۶۶-۱۵۱.

- پور ابراهیم، ناصر، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار، ۱۳۹۳، صص ۱۴۸-۱۲۷

- کوهکن، علیرضا، گرجی، میلاد، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۶، صص ۱۳۳-۱۱۱.

#### ب) منابع انگلیسی

-Özgür Özdamar, B. Toygar Haliştoprak and İ. Erkam Sula (٢٠١٤) " From Good Neighbor to Model: Turkey's Changing Roles in the Middle East in the Aftermath of the Arab Spring", International Relations, Volume ١١, No. ٤٢

- Bengio, Ofra (٢٠٠٩), "Turkey and Israel in the Aftermath of the Gaza War: Relations at a Crossroad", Tel Aviv Notes ,February ٨

-Murinson, Alexander (٢٠٠٦), "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy", Middle Eastern Studies, Vol. ٤٢, No. ٦, November.

-Grigoriadis Ioannis ,(٢٠١٠), "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy",

-Middle Eastern Studies Programme (Working Paper), No. ٨, ١-١٢

Robins, Philip (١٩٩١), Turkey and the Middle East, Retrieved January ٣, ٢٠٠٩

Website: [http://www.uncis.pitt.edu/euce/events/turkey\\_eu](http://www.uncis.pitt.edu/euce/events/turkey_eu)

-Catsiyas, Gukhan(٢٠١٤), 'The new middle east 'Turkey' ' and research for regional stability European policy center(epc).

-Gardini, Gian and Peter Lambert (٢٠١١), "Latin American Foreign Policies: Between Ideology and Pragmatism", New York, Palgrave Macmillan##